

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۵	موضوع :	اصول ۲
تاریخ :	۹۳/۰۳/۱۸	ساعت :	۱۸

نام کتاب: اصول الفقه (الباب السابع تا اجتماع امر و نهی)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. إن المبحوث عنه في الملازمات العقلية هو ب ۲۱۰
- أ. اثبات الحكم الشرعی
- ب. اثبات الكبريات العقلية المؤدية إلى اثبات الحكم الشرعی
- ج. اثبات شرعية الصغرى
- د. اثبات عقلانية الصغرى المؤدية إلى اثبات الحكم الشرعی
۲. الواجب ارجح على ضده الخاص العبادى، إن كان الضد واجباً أ ۳۰۴
- أ. ولكنه مخیر و الأول واجب معین
- ب. و لكنه معین و الأول واجب مخیر
- ج. و لو كان الأول مخیرا
- د. و لو كان الأول معیناً
۳. من اسباب الحكم بالحسن و القبح «الإنفعال النفسانى» نحو ج ۲۲۶
- أ. احترام القادم
- ب. حسن العلم
- ج. الرقة و الرحمة
- د. حسن الكرامة
- * هل الإتيان بالمأمور به على وجهه يقتضى الإجزاء أو لا يقتضى. د ۲۴۶
۴. منظور از «اقتضاء» در این عبارت چیست؟
- أ. معذريت و منجزيت
- ب. عدم لزوم اعاده و قضاء
- ج. ثبوت ملازمه بين اجزاء و اكتفا
- د. عليت و تأثير

تشریحی

- * الاشكال في عبادية الطهارات الثلاث من جهتين: من جهة ان الواجب الغيرى لا يكون إلّا توصلياً فكيف يجوز أن تقع المقدمة بما هي مقدمة عبادة، و من جهة ثانية ان الواجب الغيرى بما هو واجب غيرى لا استحقاق للثواب عليه.
۱. دو اشكال مطرح در عبادت بودن طهارات ثلاث را توضیح دهید
- أ. واجبات غيرى فقط توصلى اند نه تعبدى، پس چگونه چیزی می‌تواند در عين مقدمه بودن، تعبدى باشد. ب. واجب غيرى به خودى خود ثواب ندارد در حالى که مقدمات عباديه ثواب دارند.
- * إنّ العقل في بعض المقدمات يحكم بلزوم الإتيان بها لأنّ تركها موجب لتفويت الواجب في ظرفه و يحكم أيضاً بأنّ التارك لها يستحق العقاب على الواجب في ظرفه بسبب تركها.
۲. «مقدمة مفوته» را با ذکر مثال تعريف کرده، با توجه به عبارت، احكام آن را از دیدگاه عقل بنویسید.
- تعريف: تركها موجب لتفويت الواجب في وقته. مثال: قطع المسافه للحج قبل أيامه، غسل الجنابه للصوم قبل الفجر.
- حكم: أ. وجوب عقلى اتيان دارد. ب. تارك آن مستحق عقاب است.

* توضیح القول بالنهی عن الضد الخاصّ علی مسلک التلازم: انّ حرمة أحد المتلازمین تستدعی حرمة ملازمه الآخر و المفروض انّ فعل الضد الخاصّ یلازم ترک المأمور به فیلزم علی هذا ان یحرم الضد الخاص.

۳. با توجه به عبارت، چگونگی بحث در ضد خاص بنا بر «مسلک تلازم» را توضیح دهید.

حرمت چیزی سبب حرمت ملازم آن می‌شود، فعل ضد خاص ملازمه با ترک مأمور به - یعنی ضد عام - دارد، ضد عام حرام است پس ملازمش که ضد خاص باشد هم حرام است.

۴. «مجمل» و «مبین» را تعریف نموده و برای اجمال در لفظ و اجمال در فعل مثالی ذکر نمایید.

اصطلاح مجمل، به آن لفظ یا فعلی اطلاق می‌شود که مراد متکلم به آن یا وجه انجام آن فعل واضح نباشد و مبین لفظ یا فعلی است که مراد متکلم یا فاعل در آن ظاهر است، مثلاً در آیه «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» بخاطر اشتراک لفظی ید معنایش واضح نیست و در فعل مثلاً اگر امام بیستم در نماز جلسه استراحت را بجا آورد، و ما وجه وجوب یا استحباب آن را ندانستیم مجمل خواهد بود.

* قالت الأشاعرة الحسن ما حسنه الشارع و القبيح ما قبحه الشارع و قالت العدلية الحسن في نفسه حسن و لذلك أمر الله تعالى به و القبيح في نفسه قبيح و لذلك نهى الله تعالى عنه.

۵. نظریه اشاعره و عدلیه را در بحث حسن و قبح تبیین نماید.

اشاعره قائلند: حسن و قبیح چیزی است که خداوند به آنها امر یا نهی کرده است و در ذات اشیاء حسن و قبحی وجود ندارد. اما عدلیه قائلند: حسن و قبح افعال در ذات آنهاست و امر و نهی الهی تاثیری در حسن یا قبیح بودن ندارد، لذا حسن ذاتی باعث می‌شود خدا بدان امر نماید.

* استدلال العدلية علی مذهبهم «الحسن و القبح العقليين» بأن وجوب اطاعه الأوامر عند الأشاعره شرعی، فنقول لهم: من أين جاء هذا الوجوب؟ إن قالوا عقلي، فهو المطلوب و إن قالوا بامر من الشارع فنسأل من أين تجب طاعة هذا الأمر و هكذا إلى ما لا نهاية.

۶. استدلال عدلیه بر اثبات حسن و قبح عقلی را توضیح دهید.

اشاعره قائلند وجوب اطاعت اوامر، وجوب شرعی است. از آنان می‌پرسیم وجوب شرعی از کجا اثبات می‌شود؟ اگر گفتند عقلی است، مطلوب ما ثابت می‌شود و اگر بگویند از دلیل دیگر می‌فهمیم، دوباره می‌پرسیم اطاعت این دلیل از کجا واجب شد؟ و این سوال بی‌نهایت، همچنان ادامه پیدا می‌کند.

۷. أ. منظور از مصلحت سلوکیه در باب امارات چیست؟ ب. چرا مصلحت سلوکیه دلالت بر اجزاء در فرض کشف خطای اماره ندارد؟

أ. مصلحت سلوکیه: صرف تبعیت از اماره دارای مصلحتی است که جانشین مصلحت از دست رفته از مصلحت واقع است. ب. مصلحت سلوکیه مقتضی اجزاء نیست چرا که با کشف خطا مصلحت واقع همچنان پابرجاست و چه در وقت و چه در خارج آن می‌توان آن را کسب نمود.

۸. فرق «مقدمه وجوب» با «مقدمه واجب» چیست؟ برای هر یک مثال بزنید.

مقدمه وجوب آن چیز است که وجوب ذی‌المقدمه به حصول آن بستگی دارد مانند: وجوب استطاعت برای حج. اما مقدمه واجب: آن چیزی است که وجود واجب بدان مترتب است، مثل: وضوء نسبت به نماز.

* لو قطع المكلف بأمر خطأ فعمل على طبق قطعه ثم بان له يقيناً خطؤه لا ينبغي الشك في عدم الإجزاء.

۹. أ. دلیل عدم اجزاء در مسأله مذکور چیست؟ ب. آیا حکم مذکور، استثنائی دارد؟ بیان کنید.

أ. دلیل عدم اجزاء این است که مصلحت واقعی فوت شده و عمل سابق مصلحت واقع را استیفاء نمی‌کند.

ب. استثناء از این حکم: موردی که قطع مکلف اتفاقاً آن مصلحت واقع را تحصیل کند.